

نمادهای اسطوره‌ای و روان‌شناسی زنان پس از میانسالی

(متن کامل)

جین شینودا بولن

کهن‌الگوهای زنان بالای پنجاه سال

مینو پرنیانی

پیر، اما جذاب

"دورنمای هوشمندانه و دلشادکننده‌ای که در این کتاب ارائه می‌شود، تمامی افکار زنان درباره‌ی مُسن شدن را کنار می‌زند و کمک می‌کند تا به گونه‌ای دیگر درآینه بنگریم."

راشل نائومی ریمن نویسنده

فهرست مطالب

۸.....	مقدمه: چگونه پیری فرزانه باشیم
۳۱.....	بخش اول: نامش فرزانه است
۳۵.....	الهه‌ی فرزانی عملی و ذهنی، متیس در شکم زئوس
۵۸.....	الهه‌ی اسرار و خرد معنوی، سوفیای پنهان در انجیل
۸۳.....	الهه‌ی خرد شهودی و روانی، هکاته بر سر تقاطع‌ها
۱۰۲.....	الهه‌ی خردِ مراقبه‌ای، هستیا، آتش در آتشدان خانه
۱۱۷.....	بخش دوم: فراتر از خرد
۱۲۳.....	الهه‌ی خشم اصیل و تحولی: نامش غضب، سخمت، الهه‌ای با سر شیر در مصر
۱۴۳.....	الهه خنده شفابخش: نامش شادی است، بائوبوی بذله‌گو
۱۴۷.....	اوزمه، الهه‌ی ژاپنی، رقص و شادی
۱۵۳.....	الهه‌ی همدلی: نامش مهربانی است، کوآن‌یین که به اندوه دنیا گوش می‌دهد
۱۷۱.....	بخش سوم: الهه‌ای که مسن تر می‌شود
۱۷۹.....	آرتمیس، الهه‌ی شکار و ماه، خواهر، فمنیست و هدفمدار
۱۸۷.....	آتنا، الهه‌ی خرد و صنایع دستی، جنگجو و استراتژیست
۱۹۵.....	هستیا، الهه‌ی آتشدان و معابد، زن ناشناخته و نگهدارنده خانواده
۲۰۱.....	هرا الهه‌ی ازدواج، کهن‌الگوی همسر
۲۰۷.....	دیمتر الهه‌ی غلات، کهن‌الگوی مادر
۲۱۳.....	پرسفون، الهه‌ی دوشیزه و ملکه‌ی جهان زیرین، دختر ابدی، راهنمای درون
۲۱۹.....	آفرودیت، الهه‌ی عشق و زیبایی، معشوق، زن خلاق
۲۲۷.....	بخش چهارم: او دایره است
۲۲۸.....	دوره‌ی زنان خردمند، مادران بزرگ قبیله، مادر بزرگان، دوره‌ی پیران سالخورده
۲۴۷.....	نتیجه‌گیری - سومین پرده
۲۵۵.....	زمینه‌کار
۲۵۹.....	یادداشت‌ها و منابع

بخش اول

نامش فرزانه است

در این فرهنگ، پیر بودن چه معنایی دارد؟ مسئولیت‌های جدید من کدامند؟ باید از شر چه چیزهایی خلاص شد تا برای تغییر و تحول انرژی‌سازی در جسم-روح، جایی باز شود؟

ماریون وودمن^۱

فرزانه زن است. او پیر، الهه و کهن‌الگویی زنانه است. در اسطوره‌شناسی یونانی تجلی متیس^۲ است که زئوس وی را بلعید. در انجیل سوفیای پنهانی وجود دارد، الهه‌ای که جنبه‌ی ذهنی و بدون جنسیت یافت. ممکن است سروکله‌ی فرزانه در گرگ و میش سه راهی جاده‌ای که هکاته‌ها با یکدیگر مواجه می‌شوند یا درون آتشدان هستیا پیدا شود. شاید شکینای^۳ نامرئی باشد. همان که در آستانه‌ی عید سبت^۴ به خاطر غذا وارد خانه‌ی کلیمی شد. روزگاری او با الهه سریدون^۵ یکی بود. او ساراسواتی^۶، الهه‌ی خرد هندوست. همین‌طور می‌توان در قالب اردا^۷ در **حلقه نibelung**^۸ ریچارد واگنر^۹ دید. در دنیای اسطوره‌ها و ناخودآگاه جمعی که آیین‌های یکدیگرند، فرزاندگی، موضوعی زنانه است. فرزاندگی معمولاً نگرشی است الهه‌گون که نمی‌توان آن را دید یا مجسم کرد و غالباً صفتی است زنانه که در آن کسی، بخشی از روح و روانش فرزانه شده است.

1. Marion Woodman

2. Metis

3. Shekinah

4. Sabbath

5. Cerridwen

6. Saraswati

7. Erda

8. Ring of the Nibelung

9. Richard Wagner

هستیاست که خانه را خانه می‌کند، معابد را می‌سازد و در کمال سکوت از عده‌ای آدم غریبه یک انجمن می‌سازد.

در این فصل «نامش فرزانه است»، تمرکز بر چهار الهه‌ی فرزانه‌گی، یعنی متیس، سوفیا، هکاته و هستیا است. هیچ‌یک از ایشان از نظر بصری شبیه به ما نیستند، ویژگی‌های ایشان نامحسوس است و در اسطوره‌ها و الهیات حضوری نادیدنی یا نامشخص دارند. روزگاری این الهه‌ها بخشی از اسطوره و دین بودند. حالا در ناخودآگاه جمعی الگوهای پنهانی‌اند که منتظر رستاخیز خود هستند و بخشی از ناخودآگاه ما به‌شمار می‌آیند. در این فصل تفاوت میان آنها را ذکر می‌کنم و ویژگی‌هایشان را برمی‌شمارم. در این مسیر از پژوهش‌ها و آثار دیگران در حیطه‌های اسطوره‌شناسی، مردم‌شناسی، الهیات و تاریخ استفاده می‌کنم. تجارب شخصی خودم به‌عنوان کسی که تحلیل یونگی می‌کنم، مرا به انتخاب این الهه‌ها در مقام کهن‌الگویی رهنمون ساخت. این الهه‌ها با ویژگی‌های فرزانه‌گی که در روان انسان‌های مسن‌تر سراغ دارم، همخوانی زیادی دارد.

بحثم را با توصیف این الهه‌ها شروع می‌کنم. ممکن است متوجه ویژگی‌هایی از یکی دو تن از این الهه‌ها در خود شوید، یا با خود بگویید "آها! که این‌طور". بارقه‌ای از شهود که الهه‌ای خاص بخشی از روانتان است. ممکن است الهه‌های فرزانه‌گی بیانگر وضعیت رشدی شما باشند و نشان دهند که رشد ما در سنین بعد از پنجاه‌سالگی در کدام حیطه خواهد بود. شاید این توصیف متناسب با زنی باشد که به طور خاص مورد پسند شماست، اگر چنین باشد، شاید بیانگر کهن‌الگویی باشد که شخصاً در خود رشد می‌دهید. اگر در رویاهایتان مصاحب خانمی دارید، شاید نشان دهنده‌ی این باشد که چنین بخشی در حال رشد کردن در شماست و نماد فرزانه‌ی درونتان است (کهن‌الگویی دیگر که در حال بیدار شدن است).

اگر بر الهه‌ای متمرکز شوید یا تصور کنید که در زندگی روزمره‌تان با وی گفت‌وگو دارید، این بخش فرزانه‌ی درون هشیارتر می‌شود. بر هرچه متمرکز شویم، به همان قدرت می‌دهیم. آنچه تصور می‌کنیم، مقدمه‌ای است بر رشد ما.

کهن‌الگوی زن فرزانه یا سالخورده‌ی خردمند، توصیفی‌ست عام برای رشد درونی ویژگی‌های روحی که همراه است با ورود به سومین فاز از زندگی زنان. این کهن‌الگو مربوط به نوع انسان است و منحصر به روان زنانه نیست، اما رشد وی در مردان و به طور کلی در دوران پدرسالاری سرکوب شده است. این کهن‌الگو فقط در بزرگسالان رشد نمی‌کند. به تجربه دیده‌ام و شنیده‌ام که کودکانی که رها شده یا مورد سوءاستفاده قرار گرفته بودند، از منبع و مرجعی درونی تسلی داده شده و فرزانه‌گی می‌یافتند. در نتیجه خود را با ظالمانی که به ایشان ستم رساندند، همانندسازی نکردند و شبیه به آنانی نشدند که نادیده‌شان گرفته و یا مورد سوءاستفاده قرار دادند. فرد با داشتن چنین دوران کودکی‌ای فقط یک راه دارد که روح را طی سالیان از دست ندهد، آن هم جلب کردن فرزانه‌گی به خود است. در داستان‌های پریان چنین دل‌تسلایی و فرزانه‌گی، معمولاً در قالب زنی سالخورده که یا الهه‌ی مادر با بال‌های جادویی و فرزانه‌گی است، یا پیری سالخورده که به جوانی کمک می‌کند تا راه خود را بیابد، تجسم می‌یابد. معمولاً وقتی مسن‌تر می‌شویم، خردمندتر می‌شویم، اما همان‌طور که همه دیده‌ایم، عمر طولانی داشتن ضامن رسیدن به فرزانه‌گی نیست.

فرزانه‌گی انواعی دارد، پس در نتیجه کهن‌الگوهای زن خردمند نیز متفاوت هستند. خرد متیس یک فرزانه‌گی عملی است، حکمتی کاربردی که ترکیبی است از هوش و مهارت در یک فن. این خرد معمولاً همراه با نتایجی ملموس که کار وی را مشخص می‌سازد بروز می‌یابد. فکر می‌کنم که این‌گونه از خرد همان چیزی است که ژاپنی‌ها در هنر طراحی و صنایع دستی خود به کار می‌گیرند و نامش را "گنجینه‌ی ملی"^۱ نهاده‌اند. فرزانه‌گی سوفیا برخاسته از تقاضایی است که برای معنایی معنوی و تجارب شهودی اسرارآمیز می‌کند. فرزانه‌گی شهودی هکاته مجهز به ابزار قدرت دید بوده که از آگاهی ارتقاء می‌یابد. هستیا حضور خردمندانه‌ای دارد، متانتی درونی که جلوه‌ی بیرونی آن هماهنگی است.